

کیفیت برنامه ریزی برای تشکیل دولت تمدن بزرگ اسلامی جهانی امام عصر (عج)

نادر غلامی^{۱*} و حمیده حسن خانی^۲

^۱ دبیر آموزش و پرورش کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی و مدرس پیام نور

^۲ خانی دبیر آموزش و پرورش کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

Email: sana_hm89@yahoo.com

چکیده

با ظهور اسلام و پیشرفت و گسترش آن، به تدریج تمدنی پدید آمد، که امروزه به نام تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان مشهور است. در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خودمانبه انجام رساندن چهار هدف بزرگ است. در این پژوهش که از نوع کتابخانه ای و توصیفی-تحلیلی است، در پی ایجاد یک برنامه عملی و پویا برای اصلاح تمدن جدید، تجدید حیات تمدن اسلامی و آمادگی برای تشکیل تمدن بزرگ جهانی امام عصر (عج) در است، که برای این اقدام مهم برنامه هایی را در چهارحوزه در این مقاله پیشنهاد نموده ایم: ۱- حوزه فردی (الف) تقویت توانایی های فردی (ب) تقویت ایمان و اراده ۲- حوزه اجتماعی (الف) تحکیم بنیان خانواده (ب) تقویت بنیانهای جامعه خود (ج) همراه کردن دیگران با خود ۳- حوزه علمی (الف) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری (ب) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی (ج) تقویت عزت نفس عمومی . ۴- حوزه جهانی (الف) حضور موثر و فعال در جامعه جهانی (ب) تاکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین (ج) بکار گیری بهترین ابزارهای رساندن پیام (د) طرح انتظار بعنوان عام ترین و بنیادی ترین تعالیم دینی در عرصه جهانی (ه) مبارزه با ستمگران و تقویت روحیه فرهنگ جهاد، شهادت و صبر (خ) برقراری عدل و عدالت (چ) کیفیت ارتباط با بیگانگان (ز) مبارزه همه جانبه عقلانی با افراط گرایی دینی در پرتو دکترین انتظار.

واژگان کلیدی: قرآن، جامعه جهانی، تمدن اسلامی، تمدن بزرگ جهانی امام عصر، انتظار و برنامه ها.

مقدمه و بیان مساله

فرهنگ تنها مربوط به مباحث کلان نیست بلکه اگر بخواهیم فرهنگمان را مطابق با آنچه که بزرگان و انبیای الهی به آن توجه داریم، تنظیم کنیم و تطبیق دهیم، باید به مسائل ریز نیز توجه شود زیرا برخی مواقع یکسری معضلات فرهنگی کوچک باعث می شود که مسائل و معضلات بزرگتر در جامعه به وجود آید لذا اگر به فرهنگ مهدویت و انتظار ورود کردیم، ساختار و فرهنگ جامعه درست می شود. رسول خدا دعوت خود را در جامعه ای آغاز کرد که نشانه هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می شد. زندگی شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. شعر می سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت. برای آمدن باران آتش می افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت داغ می زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد. اگر گاو ماده آب نمی خورد، گاو نر را می زدند تا دیو پنهان شده در شاخ های او خارج شود. گفته اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می دانستند. نبی اسلام آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد.^۱ (۱) اولین آیاتی که بر رسول خدا نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره دانش و آموختن بود. اقرء بسم ربك الذی خلق... (۲).^۲ کتاب آسمانیش به دانایان برترری داد و اعلام کرد:

قل هل یتوی / الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکر اولوا الالباب (۳).^۳ دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر و خردورزی در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده می شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق های دائمی رسول خدا از طرف دیگر، سد جاهلیت و خرافه گرایی را شکست و یکی از جاهل ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن روز، ایران فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا نه تنها همه را دعوت به علم آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است.»^۴ (۴) تحول مهمی که پس از ظهور اسلام در نظام سیاسی و اجتماعی رخ داد، توجه به حقوق اقشار مختلف جامعه و تدوین قوانین، از جمله قوانین اقتصادی، قضایی و سیاسی توسط فقیهان بود. منشاء اصلی چنین تحولی، قرآن کریم بود که مبانی حقوقی، مسئولیت ها و قوانین را مشخص کرده بود. سیره ی حکومت داری رسول خدا و پیشوایان ما منشاء دیگر این تحول بود. عهدنامه ی امیرمومنان به مالک اشتر، رساله الحقوق امام سجاد از اولین متن های مربوط به حقوق اجتماعی به شمار می آید.

۵- توماس واکر و همکاران، میراث اسلام، ص: ۱۵۴

تدوین قوانین فردی و اجتماعی توسط فقیهان سبب می شد نظام زندگی فردی و اجتماعی در چارچوب معینی قرار گیرد، مفهوم قانون و عمل به قانون، توسعه یابد و نظام حکومتی از شکل ابتدایی آن خارج شود و خالتی پیشرفته تر پیدا کند. این در

^۱ جعفر سبحانی، *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*، ص: ۲۲

^۲ سوره ی علق، ۱ تا ۵

^۳ سوره زمر، آیه ۹

^۴ جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ج ۱، ص: ۵۲

شرایطی بود که جوامع آن روز از قوانین مدون که توسط مراکز علمی و تحقیقی تنظیم شده باشد، کم تر بهره می بردند.^۱ اکنون اروپا، قرن بیستم میلادی را پشت سر گذاشته و وارد قرن بیست و یکم شده است. حدود چهار قرن از تمدن جدید می گذرد و بسیاری از پیامدهای مثبت و منفی آن پدیدار شده است؛ می توان آن ها را برشمرد و درباره ی آن ها داوری کرد. شاید حدود چهار قرن پیش، برای معماران تمدن جدید پیش بینی این پیامدها سخت و مشکل بود. ما مسلمانان، مانند سایر امت ها و ملت ها، با این تمدن ارتباط مستقیم داریم؛ هم تحت تاثیر آن قرار می گیریم و هم می توانیم بر آن تاثیر بگذاریم. هر قدر که توانمندی، هوشیاری و کرامت نفس ما بیشتر باشد، قدرت تاثیرگذاری ما افزایش می یابد. در پرداختن به بنیادی ترین موضوعات، دیدگاه تمدن جدید به جهان، انسان و دین را بیان می کنیم. جهان، در این دیدگاه، بیشتر منحصر به همین جهان مادی است. مراتب غیب عالم یا انکار می شود و یا اگر انکار نشود، ارتباطی با جهان طبیعت ندارد. گویی خداوند این جهان را آفریده و مانند یک ساعت آن را برای همیشه تنظیم کرده و به خود واگذار نموده است. گویی خداوند از جهان طبیعت غایب است و هیچ نظارت و دخالتی در آن ندارد.

انسان در این دیدگاه، یک موجود زنده ی طبیعی، مانند دیگر موجودات زنده ی شناخته شده، ولی پیچیده تر است، با یکسری نیازهای طبیعی و مادی. از بعد معنوی و فطرت الهی او، که او را مسجود فرشتگان و مقرب پروردگار می سازد، خبری نیست. او حق دارد این نیازهای طبیعی و مادی را در هر حدی که بخواهد تامین کند. آزادی و حق هر کس در برآوردن نیازهای طبیعی و تمایلات مادی را فقط آزادی و حق دیگران محدود می کند و خواست انسان محور همه چیز است و هیچ کس، حتی خداوند، محدود کننده ی او نیست.^(۱) امام خمینی معتقدند دو اشکال بر تمدن مادی غرب وارد است: یکی آن که انسان را در ردیف سایر حیوانات قرار داده و تمامی استعدادها و کمالات وی را با ترازوی ماده وزن می کند؛ دوم آن که آنان صرفاً به ادراکات مادی و امور عینی اهمیت می دهند؛ یعنی صرف «عالم طبیعت» در حالی که عوالم دیگری نیز وجود دارد که از عینیت بیشتری نسبت به عالم طبیعت برخوردارند.^(۲)

دین در تاریخ تمدن جدید، به خصوص در این چند قرن اخیر، با نگاه های متفاوتی مواجه شده است؛ این نگاه ها که متأثر از حاکمیت کلیسا در قرون وسطی و در تقابل با اندیشه های دینی آن پدید آمده، عموماً نگاهی منفی گراست. یک نگاه غالب و گسترده این است که دین یک امر شخصی است و فقط بخش کوچکی از زندگی هر فرد را که مربوط به عبادت و راز و نیاز با خداست، در بر می گیرد و دارای کمترین ارتباط با زندگی اجتماعی و سیاسی انسان ها است. برخی دین را فقط دارویی برای درمان بیماری های عصر جدید و وسیله ای برای آرامش می پندارند. برخی نیز هیچ جنبه ی مثبتی در دین ندیده و آن را در کنار اموری مانند جادو و خرافه قرار داده و علت عقب ماندگی جوامع تلقی می کنند.^(۳) غفلت از خداوند و خلاصه محرومیت جامعه ی غربی از یک تفکر عمیق و درست عقلی نسبت به هستی، انسان و خداست. همین از دست رفتن معنای

^۱ محمد تقی جعفری، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص: ۸۵

^۲ آرضا، داوری اردکانی، تمدن و تفکر غربی، ص: ۲۱

^۳ آن چه در این جا به عنوان نگاه تمدن جدید به جهان، انسان و دین می آید، نگاه غالب و حاکم است. در همین دوران متفکرین بزرگی در غرب و سایر نقاط جهان بوده اند که نسبت به این تمدن نگاه انتقادی داشته و کتاب های فراوانی هم در این باره نوشته اند.

زندگی برای بسیاری از جوان های غربی است که آن ها را به بیراهه ی لذت های آنی جسمانی از طریق روابط جنسی با استفاده از مواد مخدر و قرص های روان گردان و یا گاهی خشونت و جنایت کشانده (شهوت و خشونت)، دو صفت بسیار ناپسند است که همواره پیشوایان ما، مسلمانان را از آن ها برحذر داشته اند. رسول خدا می فرماید: «به کسی که جانم در دست اوست سوگند که انسان دشمنی به بدی شهوت و خشونت ندارد». امام علی نیز می فرماید: «در میان انگیزه های شهوت و خشونت، عقل نابود می شود.» یا برخی دیگر را به جستجوی فلسفه ها و فرهنگ ها و حتی «ادیان جدید» واداشته است. (نصر: ۱۳۵۰، ۸۴).^۱ در همین جاست که جوان مسلمان ایرانی مسئولیت بزرگ و سنگینی را بر دوش خود می یابد: مسئولیت رساندن پیام نجات بخش معنویت و عدالت اسلامی و ارائه ی تفکر عمیق اندیشمندان اسلامی درباره ی انسان، جهان و خدا. (صاحب الزمانی: ۱۳۵۳، ۵)

۱- سیدحسن، نصر، جوان مسلمان و دنیای تجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، ص: ۶۲

۲- روح ...، خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص: ۹۰

۳- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص: ۴۲

اهداف پژوهش

هدف کلی

تجدید حیات تمدن اسلامی براساس آموزه های انتظار و آمادگی برای تشکیل تمدن بزرگ جهانی امام عصر (عج) .

اهداف جزئی

۱- تجدید حیات تمدن اسلامی بر اساس معیارهای اصیل دینی خصوصا انتظار .

۲- حل مشکلات فرهنگی جامعه باشناخت نیازسنجی ها و آسیب شناسی ها با محوریت مهدویت .

مبانی نظری پژوهش

کنار گذاشتن دین و تاکید افراطی بر بعد مادی انسان، روح فرهنگ . هنر عصر جدید را تشکیل داده است. کافی است نگاهی به فیلم های سینمایی و رمان ها و تصویرهای تبلیغاتی آن ها بیندازیم تا دریابیم که محور اصلی بخش عمده ای از آن ها آدم کشی و خشونت، مسائل جنسی و لذت های مادی است. اگر بعد معنوی و الهی انسان دارای اهمیت و جایگاهی در تمدن جدید بود، حتما وضع دیگری در تولید فیلم ها، رمان ها، و تصاویر تبلیغاتی حاکم می شد. (گنون: ۱۳۷۴، ۱۵۴)^۲

در هیچ دوره ای غفلت از خداوند و نیز غفلت از نیازهای معنوی و متعالی انسان به شدت امروز مشاهده نشده و توجه به نیازها و خواسته های مادی نیز به گستردگی امروز نبوده است. نتیجه ی این غفلت بزرگ آسیب ها و بیمار های خطرناکی است که امروزه بسیار عادی جلوه می کند.

^۱ سیدحسن، نصر، جوان مسلمان و دنیای تجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، ص: ۶۲

^۲ آرته، گنون، بحران دنیای تجدد، ترجمه نسرین هاشمی، نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره ۴، ص: ۲۳

اگر می بینیم امروزه کانون خانواده کارایی قبلی خود را از دست داده و خانواده در بسیاری از نقاط جهان، دیگر محیطی برای عفاف و تعالی اخلاقی محسوب نمی شود و اگر می بینیم بی حجابی و لباس های کوتاه و بدن نما برای زنان در بعضی نقاط جهان عادی شده است، ناشی از محور قرار گرفتن لذت های مادی و جنسی و استفاده ی ابزاری از زنان است، واقعیت این است که تمدن جدید و جوامع کانونی آن، یعنی جوامع غربی با سرعتی شتابان از معیارهای متعالی دور می شود. (قاضی: ۱۳۸۶، ۱۲)^۱ برای مثال، تا یکی دو نسل قبل، با این که روابط جنسی در غرب، آزاد بود، بنیان خانواده هم چنان استحکام نسبی داشت و بسیاری از ارزش ها حفظ می شد. مفهوم پوچی و بی معنایی زندگی و هیچ انگاری، از هم گسیختن خانواده، از دست رفتن نقش های سنتی زن و مرد، و بالاخره بر باد رفتن اقتدار و مرجعیت اخلاقی و معنوی پدر و مادر در چند دهه اخیر سرعتی فزاینده یافته است. شاید در میان نسل های اخیر، هیچ نسلی بیش تر از نسل کنونی جوانان غربی برای گریز از سنت های اجداد خود نکوشیده است. این گریز باعث ایجاد پدیده ای موسوم به شکاف بین نسلی شده که تاکنون به این نحو در جهان وجود نداشته است. بر این پدیده ها باید این واقعیت را نیز افزود که امروزه شمار فزاینده ای از کودکان در غرب، در خانواده ها یا خانه هایی بزرگ می شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و آن یکی هم که حاضرست، چون نمی تواند یک تنه وظیفه ی پدر و مادر را تواما ایفا کند، غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدرها و مادرها در خانواده های اصیل برای انتقال دادن ارزش های اخلاقی به جوانان بر عهده داشته اند، شانه خالی می کند و لذا بسیاری از جوانان ناچارند به تدریج خودشان زندگی شان را شکل دهند. (فلسفی: ۱۳۷۰، ج ۲، ۳۴)

چرا چنین اتفاقاتی در دهه های اخیر در غرب رخ داده و برخی جوانان به سمت چنین روش هایی در موسیقی، مد لباس و سر و صورت و به سمت چنین هیجانهایی رو آورده اند؟ آیا این قدمی در جهت پیشرفت در فرهنگ جامعه ی غربی است؟ راه مقابله با این فرهنگها در جامعه خودمان چیست؟

اولین خطر فروپاشی بنیاد خانواده است؛ خانواده منشاء عفاف، حیا و تنظیم کننده و کنترل کننده ی تمایلات جنسی در محدوده ی رابطه ی زن و شوهری است و این ویژگی با توجه افراطی به لذت های مادی و جنسی سازگار نیست. به همین جهت، برخی از افراد در جوامع غربی، خانواده را فقط به عنوان محلی برای استراحت می خواهند و دنبال هوس های خود در بیرون خانواده اند. همین امر سبب شده تا مرد و زن به زودی از هم جدا شوند و خانواده های تک سرپرست و کودکان بی سرپرست زیاد شود. در آمریکا روزانه ۱۳۰۰ کودک نامشروع به دنیا می آید و ۱۱۰۰ تایی دیگر سقط می شوند (سیاحت غرب: ۱۳۷۸، ش ۷، ص ۱۲)

توجه داشته باشیم که: اگر فقط نام مسلمان باشد، اما همان اندیشه ها، اهداف و نگرش های غربی در میان ما گسترش یابد، همان سرنوشت نیز ما را تهدید می کند. باید آن مباحث فرهنگی در دین اسلام است را در جامعه اجرایی کنیم. لازمه این امر شناخت و آشنایی با جامعه است و باید یکسری نیازسنجی ها و آسیب شناسی هایی صورت گیرد تا در هر دو مورد با محوریت فرهنگ مهدویت جامعه ورود پیدا کرده و مشکلات را حل کند.

واکاوی موضوع

برنامه‌ی ما برای اصلاح تمدن جدید، تجدید حیات تمدن اسلامی و آمادگی برای تشکیل تمدن بزرگ جهانی امام عصر (ج) چیست؟

خوشبختانه، ما به عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربه‌ی بسیار موفق و زیبا را پشت سر داریم، دو تجربه‌ی ای که بار اصلی آن بر دوش استوار پدران و مادران ما، یعنی نوجوانان و جوانان دیروز بود: آفریدن انقلاب اسلامی و پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه، هم اعتقاد مردم جهان را درباره‌ی تاثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظم ستم پیشه‌ی جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد. اکنون در مرحله‌ی حساس از تاریخ سرزمین خود قرار داریم. در مسیر تکاملی این ملت، مسئولیت به ما منتقل شده است. تا در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خود را چگونه به انجام خواهیم رساند و در جهت سه هدف بزرگی که در مقابل ماست. چگونه عمل خواهیم کرد. این سه هدف بزرگ عبارتند از:

- ۱- تجدید حیات تمدن اسلامی بر اساس انتظاریکی از معیارهای اصیل دینی.
- ۲- کمک به رفع کاستی‌های تمدن کنونی.
- ۳- آماده‌سازی جهانی برای ظهور منجی بزرگ بشریت و موعود پیامبران.

برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی به این سه هدف بزرگ و مقایسه‌ی آن‌ها با توان و قابلیت‌های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بیندازند و رسیدن به آن هدف را دور از دسترس تلقی کنند. اما این یک تلقی ظاهری و سطحی نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده و حیات بخش اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را بر می‌گزیند، هزینه‌ی آن را هم می‌پردازد و رنج‌ها و مشکلاتش را تحمل می‌کند. ما به این حقیقت معتقدیم که:

«حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه‌ی آن است (امام خمینی: ۱۳۷۰، ۱۱)

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌کنیم.

حوزه ی اول: فردی

الف) تقویت توانایی های فردی

اولین قدم آن است که هر یک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه های زیر پیشنهاد می گردد:

۱- تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید:

اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست. گذشته، دربردارنده ی تجربه های فراوان است که عوامل پیروزی ها و شکست ها را به ما نشان می دهد و بصیرت و روشنی ما را بالا می برد. شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت ها و انتخاب روش های موثر، ضروری است.

پس هر یک از ما باید برنامه ای برای آشنایی دقیق با تمدن بزرگ اسلامی و شرایط جهانی که در آن زندگی می کنیم، تنظیم کنیم. (حائری: ۱۳۶۸، ۸۳)

ب- تقویت ایمان و اراده (اخلاق فردی واجتماعی)

مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزت نفس، توکل و اهتمام به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده ی قوی، و طهارت نفسانی است. این درسی است که قرآن کریم به ما داده است، آن جا که می فرماید:

و قال موسی لقومه: موسی به قومش گفت.

استعینوا بالله و اصبرو: از خدا یاری جوید و پایداری کنید.

ان الارض لله: که زمین، متعلق به خداست

یورثها من یشاء من عباده: و آن را به هرکس از بندگانش بخواهد، می دهد.

والعاقبه للمتقین: و سرانجام [نیک] از آن تقوا پیشگان است.

مقام معظم رهبری به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی، تأکید دارند: اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. (مأخوذ از بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳) معظم له در زمینه این که اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می فرمایند:

«اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه ی بشری اگر وجود داشت، انسانها می توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند» (بیانات معظم له: ۱۳۸۸ / ۰۴ / ۲۹)

اخلاق که از منظر ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسانها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا.

به طور کلی، انسان جزء اصلی تشکیل جامعه صالح و سالم و محور اصلی برنامه ریزی ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه است. انسان برای اصلاح جامعه و تشکیل اجتماعی سالم باید نخست، اصلاحات و تحولات را از درون خود آغاز کند؛ زیرا

تمام مسائل اقتصادی، سیاسی، جنگ، صلح، نظم، بی‌نظمی و... در اجتماع به انسان مربوط است. پس انسان با ایجاد انقلابی در درون خود، می‌تواند در جامعه نیز انقلاب و تحول به وجود آورد.

اساساً در هر جامعه‌ای بهترین برنامه‌ها و قوانین باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل، ساختن انسان و پرورش و رشد افراد صالح، مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. (صالحی: ۱۳۸۲، ۷۲) یکی از والاترین اعمال مستحب، در تقویت ایمان واراده و تعالی فرهنگی افراد و به تبع آن جامعه، نماز امام زمان (عج) است. که همراه دعای پس از آن، از صدر تا ساقه‌اش، مدرسه توحید است. در این نماز جمله توحید که واسطه العقد و بیت الغزل سوره مبارکه فاتحه الکتاب است: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) صدمبار تکرار می‌شود. که گویای سَرِّ عمیق است: نمازگزاری که صدمبار توحید تلقی کند و آن را به گونه‌ای که (ایاک) را که مفعول است بر (نَعْبُدُ) و (نَسْتَعِينُ) مقدم دارد، به قلب خویش تلقین سازد (در حالی که هر دو جمله چه در بخش استعانت و چه عبادت، مفید حصرند) به توحید ناب بار می‌یابد. اگر جامعه اسلامی ما این موضوع را محور قرار دهد فرهنگ تعالی و پویا دارد.

حوزه دوم: اجتماعی

الف) تحکیم بنیان خانواده

از مهمترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب خانواده، گسترش بی‌عفتی است. فساد اجتماعی اعم از راهها و روشهای ضد فرهنگی است که ممکن است از عناصر داخلی گرفته شده و یا از فرهنگ بیگانه وارد اجتماع گردد. از جمله مفاسد اجتماعی، گسترش فساد جنسی در جامعه است. فیلمهای ویدیویی، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، مجلات و تصاویر مبتذل کاتالوگ کالاهای لوکس و تبلیغات روانی که از این ابزارها نشات می‌گیرد، همگی سعی دارند تا قشر جوان جامعه ما را در فساد جنسی فرو برند و بدینوسیله آنان را از اهداف معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی منحرف کنند. (فلسفی: بی تا، ۳۳)

ورود مدهای مبتذل لباسهای زنانه و مردانه نیز یکی از روشهای اجتماعی است. حتی در داخل کشور عده‌ای با استفاده از امکانات داخلی، در تولید و توزیع لباسهای مبتذل دست دارند که وابستگی عده زیادی از آنها روشن گردیده است. لازم به یاد آوری است که مبنای کار اینگونه تولید کنندگان، مجلات و نیز مدل لباسهای غربی است که وارد کشور می‌گردد. البته این موارد می‌توانند علت معده باشند علت اصلی برای وجود عفت باورهای فردی است که باید تقویت گردند. (قاضی: ۱۳۸۶)

از دیگر اقدامات اجتماعی تهاجم فرهنگی، ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج کنندگان این مدها در قالب گروههای رپ، هوی متال و... دیده می‌شود که ترویج کننده ارزشهای ضد اخلاقی از جمله همجنس بازی و برقراری روابط آزاد جنسی و... هستند. برای تقویت عفاف در بین افراد می‌توان در دو بعد اقتصادی مانند از بین بردن فقر توزیع عادلانه ثروت حلال خواری از بین بردن ربا و... و بعد سیاسی مانند مقابله با ناتوی فرهنگی ایجاد راهکارهای بر مبنای اصولی دین اسلام در مقابله با پروژه جهانی سازی، جایگزینی برای بازیهای ضد اخلاقی این بازیهها را می‌توان به سه دسته تخریبی تقسیم نمود که عبارتند از: (۱) تخریب تفکر و مکتب دین مبین اسلام خصوصاً اندیشه منجی آخر الزمان (۲) تخریب فرهنگ و سنت‌ها و اخلاقیات و اشاعه فساد و بی بندوباری مانند اکثر بازیهایی که در مراحل دوم و سوم کاربرد وارد مراکز فحشا مانند کازینوها می‌گردد و... .

۳) براندازی نرم از طریق آموزش دادن کاربر امروزه به بازی های رایانه ای نمی توان تنها به عنوان ابزاری جذاب برای تفریح و سرگرمی کودکان نگاه کرد بلکه باید به آنها از دید دشمنان تفکر اسلامی - ایرانی نگریست، تغذیه ی صحیح سیاسی - عقیدتی جوانان و تعدیل گزینه جنسی با فرهنگ سازی ازدواج موقت و..... (غلامی: ۱۳۸۹، ۴۶)

برخی از راههای تقویت بنیان خانواده ها از منظر نگارنده مقاله عبارتند از:

تقویت فرهنگ نماز، زدودن عوامل تحریک کننده ی گزینه ی جنسی؛ بیان احکام اسلام به شیوه ی صحیح؛ - ارایه ی الگوی مناسب معاشرت زن و مرد؛ - فراهم کردن زمینه حفظ عفاف بانوان - مجازات متجاوزان به حریم عفت عمومی؛ - ترویج استفاده از پوشش های مناسب با موازین دینی و اخلاقی؛ - ترک خودآرایی در انظار عموم؛ - عدم اختلاط زن و مرد؛ - احیا و ترویج ارزش ها و شعایر دینی؛ - عمق بخشی به بصیرت دینی - سیاسی و فرهنگی جامعه؛ - اقامه ی امر به معروف و نهی از منکر؛ - ترسیم و تعیین مقام و منزلت واقعی زنان؛ - تعریف روابط زنان و مردان - احیای عزت نفس؛ سامان دهی نظام آموزش و پرورش تعریف دقیق روابط دختر و پسر و بیان حدود و مرز آن در دین اسلام و بیان عواقب آن. - دانشگاه ها و مقابله با بی عفتی؛ سالم سازی محیط و محصولات فرهنگی حمایت مادی و معنوی از آثار و تألیفات مهم در حوزه ی مسایل ارزشی و عقیدتی مانند عفاف. تبلیغ غیر مستقیم ارزش ها و مقدّسات دینی. بالابردن کیفیت علمی و دینی و رشد و بالندگی نسل جوان. تقویت وحدت و ارتباط بین حوزه های علمیّه و دانشگاه ها بوسیله ی استفاده بهینه از اندیشمندان حوزوی، مبارزه با اندیشه های انحرافی؛ مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می شود که هم اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.

ب) تقویت بنیان های جامعه خود

حضور فعال در جهان و تاثیرگذاری بر آن، با اقدامات فردی پراکنده میسر نیست. هر یک از ما، علاوه بر خودسازی فردی و به فعلیت رساندن قابلیت ها و استعدادهای خود، لازم است بکوشد جامعه ی خود را به شاحص های تمدن متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل نماید. (گلشنی: ۱۳۷۳، ۳۶)

ج - همراه کردن دیگران با خود

در قدم اول شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه ی خود تبیین کنیم. تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند. این عمل ما مصداق این بخش از آیه ی ۱۰۴ سوره ی آل عمران است که می فرماید:

ولتکن منکم امه: از شما باید مردمی پدید آید

یدعون الی الخیر: که به سوی نیک دعوت کنند. (آل عمران، ۱۰۴)

مسئله هدف های سه گانه ی مطرح شده، از بزرگ ترین «خیرها» در جهان امروز می باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آن ها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

۳- حوزه سوم: علمی

الف) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری

پیشرفت علمی، پایه‌های استقلال یک ملت را تقویت می‌کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود. هر یک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم. پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت‌افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و ... و بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی، اخلاقی، حقوقی و ابزاری جهت شکوفا سازی دنیای مادی مسلمانان در راستای پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی. (اصفهانی و ابوترابی: ۱۳۹۰، ۲)

مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه تذکر می‌دهند: «باید علم را که مایه‌ی اقتدار ملی است، همه‌جانبه بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهند یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون‌جوش و درون‌زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود (سخنرانی در مراسم سالگرد امام خمینی «ره»، خردادماه ۱۳۸۵). پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همه‌ی عرصه‌های دانش را پیماید.

الف. رهنمودهای مقام معظم رهبری بر اساس چارچوب منظم، منطقی، انسان‌شناسانه و جهان‌شناسانه امام خمینی ارائه شده است. مجموعه این فرمایشات، یک راهبرد و نقشه راه جامع و کامل را در سه سطح ملی، جهان اسلام و کل جهان ترسیم می‌کند و یکی از پایه‌های تشکیل تمدن بزرگ جهانی امام عصر (عج) را تشکیل می‌دهد. شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. تأکید ایشان بر این است که تحجر و جزم‌گرایی در باب یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است. (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۰۹).

ب- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به‌طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به مرتبه‌ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت‌های دیگر به‌طور عینی و ملموس ثمره‌ی اندیشه‌ها و آرمان‌های ما را ببینند. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه‌ی عدالت در همه‌ی ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه‌ی مقدس امر به معروف و نهی از منکر، متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد هم‌کاری و ارتباط بین مردم از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است. (مکارم شیرازی: ۱۳۸۰، ۵۱) انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می‌تواند همه‌ی موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه‌ی جهانیان برپا سازد.

ج- تقویت عزت نفس عمومی

ملتی که به توانایی هود ایمان و باور دارد و عبارت «ما می توانیم» را، نه صرفاً در لفظ، که در عمل بیان می کند، قله های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به این که «ما می توانیم» زنده کننده ی تمدن اسلامی و بزرگ ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه های سخت آن است. آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلامی در یاران اندک خود به وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه ریزی نماید. (معینی پور، لکزایی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۶۳)

حوزه ی چهارم: جهانی

الف) حضور موثر و فعال در جامعه ی جهانی

پیامبر اسلام، پیامی باری فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت طلب و روشن ضمیری که جوای حقیقت باشد، در مواجهه ی با این پیام، جذب آن می شود و تحت تاثیر قرار می گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش های درست برای انتقال این پیام است. (آملی: ۱۳۷۳، ۶۵) به همین منظور، برنامه های زیر را پیشنهاد می کنیم:

۱- تاکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه ی دین

میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. از این رو حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند، خداوند روش های تبلیغی زیر را به پیامبر گرامی اش آموزش می دهد و می فرماید:

ادع الی سبیل ربک: به راه پروردگارت دعوت کن

بالحکمه و الموعظه الحسنه: با دانش استوار و اندرز نیکو

و جادلهم بالتی هی احسن: و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است، مجادله نما

(نحل، ۱۲۵)

لازمه ی بکارگیری این روش ها، تقویت عقل و خرد و تامل خردمندانه در اسلام است؛ به طوری که بتوانیم معقول و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی پرسش های جویندگان حقیقت باشیم. (آملی: ۱۳۷۳، ۶۶)

مقام معظم رهبری در مورد این حوزه بیان فرموده اند: که عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا آن است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. (بیانات معظم له، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

همچنین ایشان در این زمینه تأکید دارند: یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نیستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است. (بیانات معظم له، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

۲- استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام

امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده است، این ابزارها، به همان میزان که می توانند در استخدام حق قرار گیرند، می توانند حامل پیام های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند. شبکه جهانی اطلاع رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعاست. در این میدان، که شاید سخت ترین هم‌آوردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می کنید که چگونه باطل پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می کنند و هیچ حد و مرز اخلاقی را رعایت نمی نمایند.

۱- امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت و گو با دیگر مردمان وجود دارد که می توان از آن ها کمک گرفت؟

۲- دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می کنند؟ و راه مبارزه با آن ها چیست؟

۳- طرح عام ترین و بنیادی ترین تعالیم دینی در عرصه ی جهانی

از آن جا که مخاطبان ما در این مرحله، مردمانی از سرزمین های دیگر هستند، خوب است آن دسته از تعالیم را با آنان طرح کنیم که پایه و اساس تعالیم دینی محسوب می شوند و عموم مردم دنیا نیاز به آن ها را احساس می کنند. توحید، رسالت انبیا، کرامت های اخلاقی، معاد و زندگی اخروی، عدالت، مبارزه با ستم، کرامت انسان، منزلت خانواده، خردورزی و زندگی سالم و آرامش بخش از موضوع های مورد نیاز مردم دنیاست که علاقه مندند بهترین دیدگاه ها را در این باره بشنوند و انتخاب نمایند. طرح دیدگاه اسلام درباره ی این موضوع های عمومی، راهی برای مبارزه با اندیشه های باطل و ایجاد فرصت برای جذب حق طلبان است. (طاهر زاده: ۱۳۸۰، ۵۲)

۳- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و انتظار

می دانیم که یکی از رسالت های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق و حقیقت نمی روند، بلکه سد راه حق جویی و حق پرستی می باشند و گسترش عدالت، منافع آن ها را بر هم می زند و تا همه را تابع خط و مشی خود نکنند و یوغ اسارت بر دیگران نیفکنند، آرام نمی گیرند. (لاهوری: ۱۹۶۶، ۳)

قرآن کریم درباره ی گروهی از یهودیان و مسیحیان می فرماید:

و لن ترضی عنک: هرگز از تو راضی نخواهند شد

اليهود و لا النصراری: یهودیان و هم چنین مسیحیان

حتى تتبع ملتهم: مگر این که از آیین آن ها پیروی کنی

قل ان هدی الله: بگو فقط هدایت خدا

و لئن اتبعت اهواءهم: و اگر از هوا و هوس های آنان پیروی کنی

بعد الذی جاءک من العلم: بعد از این که علم به تو رسیده است

مالک من الله: دیگر از جانب خدا نخواهی داشت

من ولی ولا نصیر: هیچ سرپرستی و هیچ یآوری

۴- دعوت به حق و عدالت

امام خمینی - رحمه الله علیه - می فرمایند:

«نکته ی مهمی که همه ی ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند.

به گفته ی قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند (سوره ی بقره، آیه ۲۱۷). ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند (امام خمینی: ۱۳۸۵ ج ۲۰، ص ۲۳۷).

بدین ترتیب، اگر واقع بینانه نگاه کنیم، در می یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید قیام نمود و موانع حق و حق پرستی را در کل جهان زدود و این میسر نمی شود مگر با جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همه ی سختی های این راه.

امام خمینی «ره» در این باره در پیام برائت از مشرکین در حج سال ۱۳۶۶ فرمودند:

«... تجربه ی انقلاب اسلامی در ایران، با خون بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزل ها و به آتش کشیده شدن خرمن های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب گذاری ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه ی پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب، به دست آورده و با فداکاری و مجاهدت، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است، و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه ی دفاع و مبارزه با ستمگران را بدون کوچک ترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت های در بند نیست.

... من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند ما در مقابل همه ی دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ با همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگ تری که شهادت است می رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همانگونه که در جنگ نیز، مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده ی راه پر نشیب و فراز را با اتکاء به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه ی خود عمل خواهیم کرد: یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی کنیم ...» (امام خمینی: ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۸).

نمونه ی بارز حق ستیزی و زورگویی در عرصه ی جهانی، اقدامات صهیونیست ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم

هایی که امروزه در فلسطین رخ می دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان های بین المللی ده ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم اسرائیل صادر کرده اند؛ اما آیا این قطعنامه ها توانسته اند در رویه های ظالمانه ی این رژیم غاصب اندک تاثیری داشته باشند؟ آیا در مقابل یک جاه طلب قدرتمند می توان به مذاکره و نصیحت اکتفا نمود؟

بنابراین با شناخت دقیق فرصت ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه ای که در آن قرار گرفته ایم، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیه ی جهاد و مبارزه، به تقویت جبهه ی عدالت خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی - رحه الله علیه - عزت و کرامت ذاتی انسان ها را بدان ها یادآوری کنیم. روحیه ی خودباختگی و ترس را از ملت ها بزداییم و آن را به سوی استقامت و مبارزه ای معقول و عزتمند هدایت کنیم. زندگی و سخنان امام خمینی پر از روحیه ی حماسه و جهاد و شهادت طلبی است. جالب این جاست که حتی در پیامی که هنگام قبول قطعنامه ی مربوط به تهاجم عراق به ایران صادر کرد، نه فقط بر تداوم روحیه جهاد، بلکه بر تداوم خود این جهاد مقدس علیه ظلم و ستم تاکید نمودند و بیان داشتند هدف ما نه فقط رفع فقر، بلکه محو هر گونه ظلم و کفر از کل جهان است:

« ... آری [مبارز] فلسطینی، راه گم کرده ی خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره ذریه ی فلسطین از شجره ی مبارکه ی لاشرقیه و لا غربیه ی ما برافروخت و امروز همانگونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، [فعالیت هایی] برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است ...

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استکبار و استضعاف و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند می بوسم و سلام و درود خالصانه ی خود را به همه ی غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم؛ و به ملت عزیز و دلآور ایران هم عرض می کنم خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر کرده است و شراره ی کینه ی انقلابی تان جهان خواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. ...

جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم ...

اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مساله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگویم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شدند، تمامی این ها خیالات باطل ملی گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است، ما می گوئیم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم؛ ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم

جهان خواران و سرمایه داران و وابستگان آن ها توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره

کنیم و هشدار ندهیم؛ و حال آن که وظیفه‌ی اولیه‌ی ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ، منزل گرفته‌اید؛ برخیزید که این جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم: سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست ...

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را از اصول سیاست خارجی خود بدانیم (امام خمینی: ۱۳۸۵، ج ۲۰، ۲۳۷ تا ۲۳۴).

کیفیت روابط با بیگانگان

۱- اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آن‌ها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آن‌ها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آن اجتناب کنند (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۳، ۳۰۰ و ۳۰۱).

۲- هر نوع تجارتی که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می‌برند، جایز نیست. اگر این قبیل کالا در فروشگاه‌های کشورهای اسلامی باشد، خرید آنها بر مسلمانان حرام است (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۳، ۳۰۷).

۳- خرید و پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، جایز نیست. (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۳، ۳۰۷).

۴- آگاهی از خاستگاه‌های مدهایی که در غرب پیدا می‌شود و به سرزمین‌های دیگر منتقل می‌شود، بسیار اهمیت دارد؛ چرا که بسیاری از این مدها در بردارنده‌ی پیامی منفی یا ترویج دهنده‌ی یک گروه غیراخلاقی است. به طور کلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آن‌ها را به دنبال دارد، حرام است. (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۳، ۳۰۸).

مبارزه عقلانی با افراط‌گرایی دینی و تکفیری در پرتو نماز

سلفی‌گری پدیده‌ای ناخواسته و نسبتاً نو خواسته است که انحصار طلبانه مدعی مسلمانان است و همه را جز خود، کافر می‌شمارد؛ فرقه‌ای خود خوانده که با پوشیدن جامه انتساب به سلف صالح و با طرح ادعای وحدت در فضای بدون مذهب، با بنیان مذهب مخالف است. سلفی‌گری یعنی همان بستر وهابیت، مدعی است که هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف یعنی دوران صحابه و تابعین بازگشت و از همه دستاوردهای مذاهب که حاصل قرن‌ها تلاش و جست و جو عالمان فرقه‌ها بوده و اندوخته‌ای گران سنگ از فرهنگ اسلامی در ابعاد گوناگون پدید آورده است، چشم پوشید و «اسلام بلا مذهب» را اختیار

کرد. (علمی: ۱۳۷۷، ۶۵) اندیشه سلفی دستی به دعوت بلند می‌کند و می‌گوید: بیا بید با کنار گذاشتن همه مذاهب به سوی یگانه شدن برویم، اما با دست دیگر، شمشیر تکفیر بر می‌کشد و مدعی است که با حذف دیگران از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار، جامعه اسلامی را یک دست می‌کند. جالب آنکه مبارزه با پیروان برخی مذاهب اسلامی، حتی از جهاد علیه کفار واجب‌تر است. زیرا در نگرش سلفی، مبارزه با کافر اصلی واجب‌تر است. (البوطی: ۱۳۷۳، ۲۷۷) حضرت آیت الله خامنه‌ای فرموده اند: اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام میکنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروههای مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام، و حرام شرعی است. (پیام حج ۱۳۹۲) مهمترین عامل حضور فعال و مستمر اسلام شیعی در جهان برای تحقق تمدن بزرگ اسلامی استفاده از تمام ظرفیت های جهانی برای مقابله و ریشه کن کردن این پدیده استعماری در جهان اسلام است. آیا نوبت ما نرسیده که در برابر تمدنی که سعی در نابودی و از میان بردن تمدن اسلامی ما دارد قد علم کنیم و به تعرض بپردازیم؟ وقتی که دشمن به طور همه جانبه از بیرون و درون فشار بی حد و حصری را بر ما اعمال می کند به گونه ای که اگر این روند ادامه پیدا کند صدای شکسته شدن استخوان های اسلام شنیده خواهد شد، ما باید دست روی دست بگذاریم و عقب نشینی و مذاکره کنیم و مانند گوسفند رامی در چنگال گرگ باقی بمانیم.

برنامه ای پیشنهادی برای تحقق تمدن جهانی امام عصر (عج):



نتیجه گیری و پیشنهادها

تلاش ما برای احیا و بازسازی تمدن اسلامی و اصلاح وضع کنونی جهان، صرفاً یک وظیفه در کنار سایر وظایف و مسئولیت‌ها نیست؛ مجاهده و قیامی است برای یکی از قدیمی‌ترین و مقدس‌ترین آرمان‌ها و اهداف انبیای الهی، یعنی تشکیل جامعه‌ی عدل جهانی به رهبری موعود الهی، حضرت مهدی (عج).

شاید کسانی که در یکی دو قرن گذشته می‌پنداشتند که بشریت به کمک علم و دانشی که به دست آورده است، بی‌نیاز از تعالیم خداوند، زندگی خود را به سوی بهروزی و سعادت سامان خواهد داد، اما اکنون، در ابتدای قرن بیست و یکم، روشن شده که چنین پنداری ساده‌اندیشانه بوده است. دیدیم که انسان امروز با تمام پیشرفتی که در علم و فن آوری کرده و دستاورد فراوانی که در تسهیل شیوه‌ی زندگی به دست آورده، همچنان از رسیدن به بزرگ‌ترین آرزوهای خود بازمانده است. جامعه بشری، امروزه تشنه‌تر از هر زمان، از بی‌هدفی و بی‌آرمانی در اضطراب به سر می‌برد و در جست‌وجوی سعادت، خوش‌بختی واقعی و آرامش درونی است.

مسئولیت رساندن پیام‌های بخش اسلام، امروزه بر دوش ماست. فردای انسان‌ها، به آگاهی، ایمان، همت و عزم راسخ ما برای ایفای نقش منحصر به فرد خود در جهان امروز بستگی دارد. در حالی که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده و آدم‌ها در نزدیک‌ترین ارتباطات با یکدیگر قرار گرفته‌اند، تلاش ما برای رساندن پیام حق، به انسان‌های دیگر فرصت می‌دهد حقیقت را دریابند و امید به آینده پیدا کنند. امید به آینده‌ای که در آن تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی از میان خواهد رفت و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نخواهد بود و حتی در آن حکومت، اختلافات دینی نیز کنار گذاشته خواهد شد و همه مردم در زیر پرچم اسلام، تسلیم فرمان خدا خواهند بود. در این حکومت واحد جهانی، کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره خواهد شد. اسلام چنین حکومتی را برای بشر پیش‌بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریح است، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است.

پیشنهادهای

۱- ضرورت نهادینه کردن انتظار بر حول محور «مدینه النبی» رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و «دار الحکومه»‌ی پدر بزرگوارشان یکی از راههای نجات تمدن اسلامی است.

۲- ایجاد جامعه اسلامی نماز خوان مهم‌ترین راه احیای تمدن اسلامی است. جامعه اسلامی، جامعه‌ای ولایی است که تحت ولایت الله حرکت می‌کند. البته، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک تمام مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد.

۳- برای ایجاد تمدن اجتماعی و احیای تمدن اسلامی، نیازمند ایجاد جامعه اسلامی هستیم و جز از این طریق، نمی‌توان به نتیجه رسید. در قرآن کریم در یک دسته‌بندی کلی و اساسی دو جامعه معرفی شده است. همانطور که حاکمیت هم به تبع این تقسیم‌بندی به دو گروه تقسیم شده؛ یک نوع جامعه که در قرآن به «جامعه جاهلی» تعبیر می‌شود و دیگری «جامعه ولایی» که

در مقابل جامعه جاهلی مطرح شده است.

۴- ضرورت حاکمیت عقلانیت معرفتی، اخلاقی و ابزاری؛ نگاه سیستمی به آموزه‌های اسلام؛ تقارن علم با عمل و الهی شدن علوم با نیت الهی.

۵-

انقلاب اسلامی باید سرآغاز احیای تمدن اسلامی در جهان باشد. خردورزی، علم محوری، اخلاق، حقوق، ایمان به هدف، فرهنگ نماز، تلاش، تفسیر دینی از زندگی؛ اشتغال بر دو حوزه نرم افزاری و سخت افزاری، اجتناب از تقلید سبک زندگی غربی، اجتناب از سطحی نگری و تحجر و سکولاریزم پنهان، سلیقه سازی از طریق هنر و این که انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و با شکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان بر پا سازد.

۶-

ضرورت ایجاد گفتمان آسیب شناسی در زمینه سبک و فرهنگ زندگی با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه.

۷- ضرورت نگاه اسلامی به علوم انسانی، متناسب با تمام ابعاد وجودی انسان و جهان.

۸- مدیریت دینی و نقشه راه دین قطعاً می تواند در تولید علوم دینی کاربردی بنیادی ایفا نماید و انسانی که با تبعیت اسلامی و دینی همگام شود، تمدن اسلامی احیا می شود.

۹- اخلاق سازی و دین مداری از مولفه‌های مهم در تمدن اسلامی است. هدف از دین اسلام تربیت مطابق با ارزش‌های اخلاقی و دین مداری است و اگر این امر در دانشگاه‌ها تحقق یابد قطعاً تمدن اسلامی به تعالی و رشد خواهد رسید.

۱۰- از نظر اسلام، فرهنگ، جامعه و تمدن، بر محور انسان به وجود می آید و معنا و شکل می یابد. بنابر این، افراد انسانی به عنوان پایه‌های فرهنگ و جامعه و تمدن، موضوع تعلیم و تربیت قرار می گیرند. از این رو تعلیم و تزکیه یکایک افراد جامعه برای رسیدن به هدف جامعه عالم و سالم و متمدن و فرهنگی در دستورکار قرار گرفته است. پیش از هر چیزی در راه رسیدن به غایتی به نام تمدن اسلامی، بر منابع انسانی توجه شود. منابع انسانی فاقد فرهنگ اسلامی است؛ زیرا اگر روح فرهنگ اسلامی در جان مسلمانان وجود داشت. بطور طبیعی تمدن اسلامی تحقق می یافت. بنابر این، می بایست تمام تلاش و همت خود را مبذول این معنا کنیم که منابع انسانی را براساس فرهنگ اسلامی تعلیم و تربیت کنیم. (انفال، آیه ۲۵، رعد، آیه ۱) از نظر اسلام، هرگونه اختلال در منابع انسانی به معنای فساد تمدنی و فرهنگی است. از این رو با گزارش کردن از تمدن‌های پیشین غیراسلامی بیان می کند که چگونه عوامل فکری و فرهنگی موجب شده تا منابع انسانی آن تمدن‌ها از مسیر طبیعی خارج شده و موجبات تباهی تمدنی خود را فراهم آورند. از نظر قرآن، تمدن‌های پیشین با آموزش و پرورش درست منابع انسانی، توانستند فرهنگ و تمدنی بزرگ را ایجاد کنند ولی همین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سبب خروج از مسیر طبیعی کمالی، نابودی خود را رقم زدند.

۱۱- ایجاد ام القری برای تحقق تمدن جهانی: که جمهوری اسلامی ایران، دوباره تمدن اسلامی را بازسازی و بازآفرینی کرد و به جهانیان معرفی و ارایه کرد. این هدفی است که امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در نظر دارد و با ارائه راهکارهایی بر آن است تا این مهندسی فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شکل

گیرد و تمدن اسلامی تحقق یابد.

۱۲- تمدن اسلامی می‌بایست در چارچوب آموزه‌های وحیانی اسلام انجام گیرد؛ زیرا این آموزه‌ها در بردارنده نظام فکری و فرهنگی و نیز اخلاقی و رفتاری و حقوقی و قانونی خاصی است که فرهنگ اسلام را بیان می‌کند. هدف از تمدن نوین مبتنی بر اسلام، مدیریت تعادل و تکاملی همه داده‌ها و متغیرها برای نیل به هدف انسان کامل و جامعه سالم و برتر است

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آملی، عبدالله (۱۳۷۳) منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم نشر اسراء.
- a. پروفیسور رابرت، اچ. بورگ (۱۳۷۹) در سراسیبهی به سوی گومورا، ترجمه ی الهه ی هاشمی حائری، تهران، نشر اندیشه.
۳. توماس واکر آرنولد و گیوم، آلفرد (۱۳۲۵) میراث سلام، ترجمه مصطفی علم، تهران، نشر مهر.
۴. حائری عبدالهادی (۱۳۶۸) ایران و جهان اسلام، مشهد، نشر آستان قدس رضوی .
۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۳) فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
۶. خمینی، روح ... (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴.
۷. _____ (۱۳۷۰) وصیت نامه سیاسی والهه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
۸. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۰) تمدن و تفکر غربی، تهران، سروش .
۹. _____ (۱۳۷۴) شمه ای از تاریخ غرب زدگی ما تهران، نشر سروش
۱۰. رنه، گنون (۱۳۷۴)، بحران دنیای تجدد، ترجمه نسرین هاشمی، نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره ۴ .
۱۱. زیدان، جرجی (۱۳۴۵) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۷۱)، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۳. صاحب الزمانی، ناصر الدین (۱۳۵۳) سهم اسلام در تمدن جهان، تهران، انتشارات بعثت.
۱۴. صالحی، محمد جواد (۱۳۸۲)، جهانی شدن و دین فرصت‌ها و چالش‌ها، قم، نشر احیایگران.
۱۵. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۰) گزینش تکنولوژی از دریچه ی بینش توحیدی، تهران، نشر ققنوس.
۱۶. علمی، (۱۳۷۷)، محمد امین، پاسخ به شبهات و هابیت، انتشارات مکتبه الاسلام، تبریز.
۱۷. غلامی، نادر (۱۳۸۹)، ناتوی فرهنگی و مقوله جنگ نرم، موسسه اندیشه، چاپ اول.
۱۸. فلسفی، «جوان»، ج ۲، هیئت نشر معارف اسلامی، بی تا.
۱۹. قاضی، فاطمه، «حجاب دختران»، انتشارات گلستان ادب، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۲۰. گلشنی، مهدی (۱۳۷۳) علم و دین و معرفت، نشر جعفری، تهران .
۲۱. لاهوری، اقبال (۱۹۶۶ م.) احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام تهران، نشر کانون پژوهش های اسلامی .
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ج ۱۹
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) حکومت جهانی مهدی، قم، نسل جوان، چاپ یازدهم.
۲۴. _____ (۱۳۶۷) خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.

۲۵. نصر، سیدحسن (۱۳۵۰) جوان مسلمان و دنیای تجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، نشر طرح نو.
۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ و بیانات ایشان ۱۲/۰۹/۱۳۷۹ و بیانات مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۹ و مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۶ و بیانات معظم له مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۴.
۲۷. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت کنگره عظیم حج پنجم ذی الحجه ۱۴۳۴ مصادف با ۱۹ مهرماه. ۱۳۹۲ (<http://www.bayynat.ir>)
۲۸. رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۷۳)، رساله‌ی اجوبه‌الاستفتائات.
۲۹. سیاحت غرب (۱۳۷۸)، نشریه‌ی مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما، شماره‌ی ۷.
۳۰. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، مقاله: معینی پور، مسعود، لکزایی، رضا، "ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، "سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ش ۲۸.
۳۱. مقالات «هشتمین همایش بین المللی پژوهش‌های قرآنی، رهیافتها و راهبردها» مقاله: سید عبدالله اصفهانی، محمود ابوترابی، «قرآن کریم و تمدن اسلامی» ۱۳۹۰.
۳۲. موحدی نژاد، علی، نقش منابع انسانی در تمدن اسلامی روزنامه کیهان، شماره ۲۰۲۶۳ به تاریخ ۹۱/۵/۲، صفحه ۶.